



یادداشت

سرمایه داری بحران زده بدون روتوش

صادق کار



روز گذشته از قول مقامات دولت ترامپ و نخست وزیر کانادا از به اجرا گذاشتن تعرفه ۲۵ درصدی به کالاهای وارداتی از کانادا و مکزیک و افزایش ۱۰ درصد دیگر به تعرفه کالاهای چینی خبر دادند. این سه کشور نیز امریکا را به عمل متقابل تهدید کردند. در این هفته نیز مردم جهان درگیری لفظی شدید و تحقیر آمیز ترامپ با زلنسکی را روی صفحه تلویزیون هایشان که زنده پخش می شد نظاره گر بودند.

تنها یک روز بعد از این دیدار پر حرف و حدیث رهبران اتحادیه اروپا به گرمی کم نظیری از زلنسکی در لندن استقبال کردند و به وی وعده های سخاوتمندانه تسلیحاتی و مالی دادند. جهت گیری شرکت کنندگان در کنفرانس لندن که با عجله ترتیب داده شده بود بیشتر تاکید بر تداوم جنگ و مخالفت با تصمیم ترامپ را تداعی می کرد.

ظرف کمتر از یک هفته از گذشت کنفرانس روسیه و امریکا در عربستان، چنان ولوله و جنگ و جدل لفظی میان سران کشورهای متحد سابق درگرفت که تا یک ماه پیش برای کمتر کسی در این حد و وسعت قابل تصور بود.

بعد از مذاکرات غافلگیرانه و دور از انتظار دیپلمات های روسی و امریکای و توافقات اولیه آنان برای برقراری صلح و اظهارات بی سابقه ترامپ خطاب به زلنسکی و متعاقب آن علنی شدن درخواست واگذاری معادن گران بهای اوکراین به امریکا از یکسو و تصمیم ترامپ به تک خوری این ثروت گرانبهای اوکراین خشم و واکنش منفی متحدین اروپایی و قدیمی امریکا را شعله ور ساخت.

از سوی دیگر شایعه شد که قبلا زلنسکی هنگام بستن قرارداد صد ساله با دولت انگلستان این معادن را به انگلیسی ها واگذار کرده است. در وسط این معرکه برای خیلی از مردم جهان روشن شد که حمایت تسلیحاتی و مالی کشورهای غربی از اوکراین نه آنطور که ادعا می شود، بخاطر کمک به اوکراین برای بیرون کردن روسیه از اوکراین بل که بر سر لحاف ملا بوده است.

جنگ اوکراین واقعا برای کشورهای غربی و کارتل های اسلحه سازی نعمت و برای مردم اوکراین نتیجه ای به غیر از تلفات و خسارات سنگین انسانی و مالی در بر نداشته است که هیچ بلکه اوکراین مجبور شده معادن و ذخایر درآمدی خود را هم بابت سلاح ها و وامهایی سخاوتمندانه ولی پرسودی که به اوکراین داده بودند با شروطی که وام دهندگان تحمیل کرده اند پیش فروش کند. در این میان مشخص و افشا شد که



تسلیمات فروخته به اوکراین که صرف جنگ با روسیه، دشمن غرب شده با بهره ۸ درصدی باید تصفیه شود. بهره‌ای که ترامپ درخواست کرد البته باید خیلی بیشتر از بهره ۸ درصدی دولت انگلستان باشد. ترامپ ادعا کرد که امریکا ۳۵۰ میلیارد به اوکراین کمک کرده و اوکراین باید در ازای آن ۵۰۰ میلیارد از معادن خود را به امریکا واگذار کند! انشقاق به هر دلیل که رخ داده باشد از زمان جنگ جهانی دوم تا کنون بی سابقه است و به رغم مخالفت ترامپ با جنگ می تواند زمینه جنگ جهانی دیگری در چند سال آینده را مهیا کند، با این همه وجود چنین تفرقه عمیقی در میان امریکا و اروپا اگر تداوم پیدا کند می تواند تنفسی برای جهان فقر زده ایجاد کند.

در مورد علل این انشقاق و کینه‌ای که بعد از افتادن رهبری امریکا بدست ترامپ بین اروپا و امریکا بوجود آمده حرفها و تحلیل های زیادی از طرف کسانی که آنان را کارشناس می خوانند مطرح شده است، در این میان اما کمتر کسی توانسته بود حوادثی را که در این ۶ هفته بعد از ریاست جمهوری ترامپ بوقوع پیوست آنطور که واقع شد پیشبینی کند. از یادها نرفته است که موضع بایدن تا روزهای پایانی ریاست جمهوری اش در ظاهر تفاوت اساسی با مواضع کنونی اروپا نداشت. بایدن تا آخرین روزهای دوره‌اش از ارسال تسلیحات پیشرفته به اوکراین دریغ نکرد سیاست جنگ طلبانه بایدن در اوکراین و غزه و تاکید او بر "جنگ، جنگ تاپیروزی" در اوکراین در کشورهای بسیاری و در خود امریکا موجب بیزاری مردم از دمکراتها شده بود. افزایش تورم که تحریمهای روسیه در افزایش آن نقش زیادی داشت، در نارضایتی اقتصادی در میان مردم اروپا بواسطه بالا رفتن قیمت انرژی و هزینه های زندگی به تقویت ترامپیست ها و قدرت گیری راست افراطی در کشورهای اروپایی کمک کرد. شکاف میان امریکا و اروپا تا همین جا حداقل در کوتاه مدت می تواند به نفع روسیه، چین، قطب بریکس و حتی بقیه کشورهای تحت فشار اقتصادی در آسیا، آفریقا، امریکای لاتین تمام شود و حکم یک دوره تنفس را داشته باشد و استقلال و قدرتمند شدن سازمان ملل و نهادهای دیگر بین المللی کمک کند. اما از اینها مهمتر این اختلافات که قطعا بحران سرمایه داری در ایجاد آن نقش اصلی را دارد اگر کارش به جنگ جهانی دیگری کشیده نشود می تواند به در پیش گرفتن سمتگیری عادلانه تری در جهان بواسطه انشقاق غرب کمک کند. کارشناسان مستقل بسیاری وضعیت بحرانی کنونی را نتیجه به بن بست رسیدن نئولیبرالیسم اقتصادی تعبیر کرده‌اند. گرایش امریکا به بازگشت دوران ماقبل نئولیبرالیسم و قدرت گیری راست افراطی و بعضا جدا شدن انگلستان را نیز به دلیل بنیست نئولیبرالیسم، و ظهور قدرت های اقتصادی، چین، هند، برزیل عنوان می کنند. شکل گیری جهان چند قطبی نیز در به بن بست رساندن نئولیبرالیسم اقتصادی حتمی نقش دارد. با این همه پدیده ترامپیست یا بقولی مدل اقتصادی مولتی میلیاردها در امریکا بر خلاف آنچه ادعا می کنند از اقداماتی که ترامپیست ها تا کنون انجام داده‌اند و در نظر دارند انجام دهند، تهدیدی جدی علیه طبقه کارگر و مزد و حقوق بگیر این کشور عمل خواهد کرد و می تواند به بازگشت دوران مک کارتیسم منجر شود. تغییرات ماه های اخیر و باج خواهی وقیحانه ترامپ مقابل دوربین تلویزیون از زلنسکی و عکس العمل کشورهای اروپای به آن، ماهیت مناسبات استعماری کشورهای امپریالیستی با کشورهای مانند اوکراین و سبب و هدف از جنگ و چهره واقعی سردمداران سیستم سرمایه داری را آنطور که هست و نه آنطور که جلوه داده می شد بدون سانسور و روتوش در معرض دید همگان قرار داد و یک بار دیگر نشان داد که نه سرمایه داری حرف آخر تاریخ است و نه هنوز آلترناتیو شناخته شده تری به غیر از سوسیالیسم برای سرمایه داری وجود دارد. آن شعار معروف انتخاب بشر بین سوسیالیسم و بر بریت این روزها بیشتر از گذشته دارد برای بشریت قابل فهم می شود. معلوم می شود که علاقه و بازگشت به مارکس طی سالهای اخیر در جهان پایه عینی دارد و در خلاء رخ نداده است



از جنبش نه به اعدام برای متوقف کردن و ابطال احکام اعدام حمایت و به آن پیوندید!
ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و مترقی آن حمایت می کنیم!
برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران و مزد و حقوق بگیران!

برابری جنسیتی در محیط کار بخش دوازدهم

فیضا علی



یک مطالعه موردی - ادامه 6.7

مسائل پیشگفته در لایه های میانی، شامل انواع آیین‌های سازمانی، رفتارهای مرسوم شده و رویکردهای ناظر بر تنوع جنسیتی و قومی می شوند. این واقعیت به میزان بسیاری قواعد رفتار در روابط جنسیتی و نژادی را در لایه میانی سازمانها شکل می‌دهند و فرصت‌های شغلی را با توجه به قابلیت‌های فردی و شرایط زمینه‌ای تنظیم می‌کنند.

طبق گزارش مصاحبه‌شوندگان، سیاست‌های سازمانی علیه آزار جنسی محدود و ضعیف اند و ضمانتی برای اجرای کافی یا اعمال مؤثر این سیاست‌ها وجود ندارد. آنچه وضعیت را بدتر می‌کند، ناکافی بودن رویه‌های گزارشدهی این جرائم است.

سقف شیشه‌ای» یکی دیگر از چالش‌هایی است که زنان پاکستانی در مجرای شغلی خود با آن مواجه «اند. انتظارات خانوادگی از زنان باعث می‌شود که آنها از مشارکت در سطوح ارشد مدیریت دلسرد شوند. بنابراین، بسیاری از زنان شاغل تأکید دارند که موانع متعددی بر سر راه پیشرفت آنان وجود دارند. افزون بر این، زنان پاکستانی بیشترین شکاف درآمدی را در میان کشورهای جنوب آسیا تجربه می‌کنند. امری که به‌طور معمول مشاهده می‌شود این است که مردان شاغل در سطوح پایین‌تر، نسبت به زنان شاغل در همان مؤسسه و در سطوح ارشد حقوق بیشتری دریافت می‌کنند.

علاوه بر این، مصاحبه‌شوندگان به برخی مسائل ساختاری اشاره کردند، از جمله اهمیت قابل توجه حمل‌ونقل. زنان ممکن است فرصت‌های شغلی بهتر را کنار بگذارند و به مشاغل کم‌ارزش‌تر روی آورند، به شرطی که سازمان‌ها تسهیلات رفت و آمد (رفت و برگشت) را فراهم کنند. مسائل مربوط به ایمنی نیز نگرانی عمده‌ای برای زنان محسوب می‌شوند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که کلیشه‌های اجتماعی



تأثیرات مهمی در محیط کار دارند و این امر بر تجربیات شغلی زنان و بهره‌وری سازمانها تأثیر خواهد گذاشت.

در سطح خرد و فردی، مسائل فردی مانند وضعیت خانوادگی و هویت عاملیت، تحت تأثیر جنسیت و قومیت قرار می‌گیرند. این عوامل تأثیرات مهمی بر استعدادها و فرصت‌های فرد دارند. رهیافت "درهم تنیدگی" روابط بین اشکال مختلف هویت را بررسی می‌کند و همان‌طور که مصاحبه‌شوندگان (intersectionality) اشاره کردند، ارتباطاتی میان جنسیت، وضعیت تأهل و شیوه‌های سازمانی وجود دارد. گزارش شده است که زنان مجرد و ازدواج‌نکرده در برابر آزارهای جنسی آسیب‌پذیرتر اند.

یکی دیگر از موانع ساختاری مهم برای زنان متأهل، نبود حمایت کافی در زمینه مراقبت از کودکان است. مراکز نگهداری از کودکان تنها در شهرهای بزرگ در دسترس اند و کیفیت این مراکز از سوی دولت‌ها مورد تأیید یا تضمین قرار نگرفته است. مهم‌تر از آن، این مراکز بسیار پرهزینه اند، به‌گونه‌ای که خانواده‌های کم‌درآمد توانایی استفاده از آنها را ندارند. از همین روست که برخی از زنان شاغل صرفاً به دلیل این دست محدودیت‌ها و مسئولیت‌های خانوادگی مجبور به ترک شغل خود می‌شوند.

با تبیین شرایط اشتغال در پاکستان از طریق چارچوب چندلایه ای، درک جامع‌تری برای تدوین یک رویکرد بهتر در مدیریت تنوع حاصل شده است. برای مثال، سیاست‌های مرتبط باید تقویت شوند تا با عوامل اجتماعی-فرهنگی، هویت اجتماعی، مسائل مربوط به آزارهای جنسی، نابرابری درآمد و «سقف شیشه‌ای» مقابله کنند. برای دستیابی به محیط کاری پویا، سازمان‌ها باید به زنان در ایجاد تعادل میان مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی کمک کنند. همچنین، دولت باید حمایت بهتری در زمینه خدمات مراقبت از کودکان و تسهیلات حمل‌ونقل ارائه دهد.

چارچوبی تحلیلی است در تلاش برای شناسایی نظامات درهم‌تنیده (intersectionality) "درهم تنیدگی" * قدرت، که بر کسانی که بیش از همه در جامعه به حاشیه رانده شده‌اند، اثر می‌گذارد. اینترسکشنالیتی بر این نظر پایه ای استوار است که اشکال گوناگون [شکافها در] لایه‌های اجتماعی همچون طبقه، گرایش جنسی، سن، دین، آیین، ناتوانی و جنسیت جدا از یکدیگر وجود ندارند، بلکه در هم تنیده‌اند. این نظریه که در آغاز در تحقیقات پیرامون سرکوب زنان رنگین پوست به کار گرفته شد، امروزه تحلیلی است که تا حدودی در مورد همه گروه‌بندیهای اجتماعی - از جمله آن دسته از هویت‌های اجتماعی که منفک از دیگر هویتها، جنبه غالب دارند - کاربرد دارد.

کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!

اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!

از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!



تداوم سیاست سرکوب دستمزدی در دولت پزشکیان

صادق



دو هفته بیشتر به پایان سال باقی نمانده است، با این وصف هنوز با وجود برگزاری سمینارها و بحث‌های عمدتاً تشریفاتی که بیشتر با هدف توجیه سرکوب دستمزدی سازماندهی می‌شوند، تکلیف دستمزد سال آینده در ابهام قرار دارد.

بازی به رغم تغییر دولت و برخی از بازیگران همان بازی سالهای قبل است، با این تفاوت که بازیگران اصلی و روش کارشان پیچیده‌تر و فریبنده‌تر شده است. بله تکلیف افزایش دستمزد اگر بشود از افزایش سخن گفت ظاهراً هنوز روشن نشده است، ولی تجربه همه‌ی سالهای گذشته حاکی از ادامه سیاست سرکوب دستمزدی و "افزایش" اسمی دستمزد مانند سال گذشته حتی کمتر از نرخ رسمی دستکاری شده تورم است.

حرف و حدیث زیاد است، از تعیین سبد هزینه خواروبار که نصف هزینه‌های حداقل زندگی در شورای عالی کار مصوب شده، تا ادعای افزایش ۷۰ درصدی و تعیین مزد صنفی و نظر خواهی وزیر کار از مردم برای کم و کیف افزایش دستمزد. کارگردانهای اصلی همه اینها اما مثل همیشه جناب وزیر کار و نمایندگان سازمانهای کارفرمایی شریک در قدرت دولتی هستند. اگر دقیقتر بگوییم جناب وزیر نیز به مانند کل سیستم نوکر و خدمتگزار و عامل سرمایه داری رانتخوار نو کیسه حاکم هستند که به هیچ چیز غیر از افزایش سود و ثروت خود به قیمت دادن گرسنگی به کارگران نمی‌اندیشند و فقر و فلاکت نیروی کار برایشان اهمیتی ندارد.

در واقع همانطور که قبلاً نیز گفته شده، آنجا که به حقوق طبقه کارگر مربوط می‌شود تفاوتی اساسی میان وزیر کار اصلاح‌چی با وزیر پایدارچی وجود ندارد. تنها تفاوت میدری با مرتضوی در این است که این دومی مانند هم مسلکان "اصلاح‌چی" خود پیچیده‌تر عمل می‌کند ولی نتیجه کارش مانند مرتضوی است.

آن یکی از اساس مزد بر اساس قانون نیمه بند کار را نفی می‌کرد و خودش و دولت مدعی عدالتخواهی رئیسی مزد را کمتر از تورم رسمی تعیین می‌کردند، این یکی با ادعای اجرای قانون این کار را میکند. آن



یکی می خواست در عین حال سطح دستمزد زیر خط فقر را به بهانه منطقه‌ای کردن دستمزد بیشتر کاهش دهد، این یکی هم همان کار را تحت نام "تعیین مزد صنفی" دارد انجام می دهد. عملی که درست مانند وزیر کار پیشین خلاف قانون است. آن یکی می گفت افزایش دستمزد لازم نیست به اندازه تورم باشد، این یکی نیز از افزایش دستمزد "نزدیک به نرخ" تورم حرف می زند

سبد هزینه خانوار را ۲۳ میلیون تومان یعنی کمتر از نصف آن در شورای عالی کار محاسبه کرده‌اند، اما همان ها که این کار را کرده‌اند، همین مبلغ را نیز حاضر نیستند در دستمزد سال آینده ملحوظ کنند. جناب وزیر اصلاح چی که ساز را از سرگشادش می زند ادعا می کند که موضوع دستمزد را به نظر خواهی گذاشته است و قصد دارد نتیجه نظر خواهی را اعمال کند! اما گذشته از فریبکارانه بودن این عمل و ادعا، دستمزد چیزی نیست که بشود از طریق نظر خواهی در مورد آن تصمیم گرفت. تعیین دستمزد در جوامع متعارف از طریق مذاکره دسته جمعی میان اتحادیه های کارگری غیر وابسته به دولت‌ها اخذ می شود و نه از طریق نظر پرسی یا سازو کار یک جانبه مرسوم در ایران. اگر بنا بر نظر خواهی واقعی باشد آن کسانی که باید مورد پرسش قرار بگیرند، شاغلان و بازنشستگانی هستند که مدت‌هاست همه روزه در خیابانها تظاهرات می کنند و خواسته اصلی همه شان افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی بر اساس هزینه های واقعی زندگی است

جناب وزیر اگر ریگی در کفش نداشت برای دانستن نظر آنهایی که از هرکس دیگر برای نظر خواهی صاحب صلاحیتتر و حق ترند، کافی بود نگاهی به قطعنامه ها و شعارهای هفتگی این جماعت معترض کثیر می انداخت. اما مسئله ایشان افزایش واقعی دستمزد نیست سرکوب دستمزدی و فقیر سازی بیشتر طبقه کارگر است و این همه بامبول که در می آورد برای همین است. متأسفانه با این اوصاف باید گفت سال به سال دریغ از پارسال و تا زمانی که این رژیم مستبد و ضد کارگر بر سر کار باشد، آتش همین خواهد بود و کاسه همین

**علیه تغییرات ارتجاعی در قانون کار و تامین اجتماعی، برای برخورداری از قانون کار
جامع متحدانه مبارزه کنیم!**

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

**به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته
باشند!**



واکنش رئیس جمهور مکزیک به تعرفه آمریکا برای کالاهای مکزیک

خطاب به مردم آمریکا



پسرخ رئیس جمهور مکزیک به تعرفه‌های ترامپ برای مکزیک

شما برای ساختن یک دیوار رأی داده‌اید... خوب، عزیزان آمریکایی، گویی شما زیاد درک نمی‌کنید که جغرافیا به چه معناست؟ چون برای شما آمریکا کشور شماست و نه یک قاره، لازم است قبل از اینکه اولین آجرها را بگذارید، بدانید که بیرون از این دیوار ۷ میلیارد نفر زندگی می‌کنند. اما چون شما واقعاً با واژه "افراد" آشنا نیستید، بیا بیا آن‌ها را "مصرف‌کنندگان" بنامیم. ۷ میلیارد مصرف‌کننده آماده‌اند که در کمتر از ۲۴ ساعت، «آیفون» خود را با «سامسونگ» یا «هوآوی» تعویض کنند.

آن‌ها همچنین می‌توانند «لویس» را با «زارا» یا «ماسیمو دوتی» تعویض کنند.

در کمتر از شش ماه، ما می‌توانیم به راحتی از خرید خودروهای «فورد» یا «شورولت» دست بکشیم و آن‌ها را با «تویوتا»، «کیا»، «مزد»، «هوندا»، «هیوندای»، «ولوو»، «سوبارو»، «رنو» یا «بی‌ام‌و» جایگزین کنیم که از نظر فنی خودروهایی بسیار برتر از آنچه شما تولید می‌کنید هستند.

این ۷ میلیارد نفر همچنین می‌توانند اشتراک «دیسک‌تلویژن» را لغو کنند، و ما نمی‌خواهیم این کار را بکنیم، اما می‌توانیم شروع کنیم به تماشای کمتر فیلم‌های هالیوودی، و به جای آن بیشتر از تولیدات آمریکای لاتین، کانادایی یا اروپایی که از نظر کیفیت، پیام، تکنیک‌های سینمایی و محتوا برتر هستند، استفاده کنیم.

حتی اگر این به نظر غیرممکن برسد، می‌توانیم «دیزنی لند» را کنار گذاشته و به پارک «ایکس‌کارت» در کانکون مکزیک، کانادا یا اروپا برویم: در آمریکای جنوبی، شرق و اروپا مقاصد عالی دیگری وجود دارند. و حتی اگر شما باور نکنید، حتی در مکزیک هم همبرگرهایی بهتر از مک‌دونالد وجود دارند که از نظر محتوای تغذیه‌ای برتر هستند.

آیا کسی در ایالات متحده اهرام را دیده است؟ در مصر، مکزیک، پرو، گواتمالا، سودان و دیگر کشورها هرم‌هایی با فرهنگ‌های شگفت‌انگیز وجود دارند. کشف کنید که عجایب دنیای باستانی و مدرن کجا قرار... دارند؟... هیچ‌کدام از آن‌ها در ایالات متحده نیستند.

چه تاسفی برای ترامپ که آن‌ها را می‌خرد و دوباره می‌فروخت! ما می‌دانیم که نه فقط «نایکی» بلکه «آدیداس» هم وجود دارد و ما می‌توانیم شروع به مصرف کفش‌های تنیس مکزیکمانند «پانام» کنیم. ما بیشتر از آنچه که فکر کنید می‌دانیم. به عنوان مثال، ما می‌دانیم که اگر این ۷ میلیارد مصرف‌کننده



محصولات‌تان را نخرند، بیکاری و بحران اقتصادی در داخل دیوار نژادپرستانه‌تان رخ خواهد داد تا جایی که از ما خواهش خواهید کرد که آن دیوار را ویران کنیم. ما نمی‌خواستیم این کار را بکنیم، اما... شما دیوار خواستید، حال دیوار را خواهید داشت

"یادداشت نرگس محمدی به مناسبت ۸ مارس و "قدرت مهارناپذیر زنان"



نرگس محمدی، برنده جایزه نوبل صلح به مناسبت روز جهانی زن در یادداشتی برای مجله وُگ از مقاومت زنان ایران در برابر یک "رژیم زنستیز" نوشت و از ضرورت همبستگی جهانی برای مبارزه با آپارتاید جنسیتی علیه زنان سخن گفت

او در این یادداشت از مبارزات زنانی یاد کرده است "که اگر از پای می‌نشستند و اگر مبارزه را ترک می‌کردند"، امروز او "به‌عنوان یک زن در برزخ جنگ، خشونت، بنیادگرایی و افراطی‌گری‌ای که دامان خاورمیانه را گرفته و زنی که در سرزمین ایران تحت رژیمی زنستیز زندانی است"، قادر به نوشتن این متن نبود و "امیدی برای مسیر رو به آزادی" نداشت

وی از "تقلایی سخت برای فائق آمدن بر رژیم دینی استبدادی" از سوی زنان ایران یاد کرده و بر این باور است که "انقیاد زنان، کانون راهبردی رژیم به شمار می‌آید

به باور این مدافع پیگیر حقوق بشر و زنان در ایران مبارزه زنان این کشور علیه "سیاست‌های استبدادی و سرکوبگرانه رژیم" فقط محدود به دستیابی به حقوق زنان نیست، بلکه مبارزه‌ای است "برای رسیدن به "دموکراسی و آزادی و حائز اهمیت مضاعف است



گلوله سربی بجای دستمزد عیدی شهرداری تکاب به کارگران

امید



روز ۱۳ اسفند نیروهای سرکوبگر رژیم در شهر تکاب به روی کارگران شهرداری شهر که برای گرفتن دستمزدهای پرداخت نشده چند ماهه گذشته خود تجمع کرده بودند آتش گشودند و دستکم ۲ کارگر را مجروح و روانه بیمارستان نمودند. تجمع کاملاً مسالمت آمیز بود و کارگران شرکت کننده در آن خواسته دیگری به غیر از پرداخت دستمزدهای شان نداشتند. خبرگزاری ایلنا در گزارش دروغی که از این واقعه سه روز بعد منتشر کرد سعی کرد تیراندازی را ناخواسته و تلویحاً ناشی از واکنش یکی از کارگران نسبت به نشانه رفتن نیروهای سرکوبگر عنوان کند و واقعیت واقعه را تحریف و وارونه نماید

این خبرگزاری به نقل از منبع خود نوشت: "با ورود نیروی انتظامی به صحنه اعتراض کارگران یکی از ماموران اقدام به کشیدن گلوله می‌کند؛ در پی این اقدام یکی از کارگران از ترس اقدام مامور، مداخله می‌کند، تیر شلیک شده و به زمین برخورد می‌کند که در پی آن چندین ترکش به کارگران برخورد می‌کند

ایلنا به جای زیر سوال بردن دخالت نیروهای سرکوبگر و محکوم کردن عمل آنها سعی می‌کند، علت تیراندازی را با واکنش یکی از کارگران و شلیک بسوی آنها را که به مجروح شدن دستکم ۲ کارگر منجر شده را ماست مالی کند و بجای محکوم کردن دخالت نیروی های ضد امنیتی قضیه را باب میل آنها ماست مالی نماید

این در حالی است که در همین گزارش تأیید شده که ماموران به درخواست یکی از اعضای شورای شهر، که (احتمالاً، از لحاظ وابستگی سیاسی یا غیره) با خبرگزاری ایلنا نسبتی دارد به محل تجمع فراخوانده شده‌اند

از گزارش پیداست که این یک گزارش سفارشی بفرموده باید باشد و اگر غیر از این بود این خبرگزاری به اصطلاح کار ایران بجای قصه سازی می بایست به حکم وظیفه اساساً دخالت نیروهای ضد امنیتی در اختلافات صنفی را تقبیح و محکوم می کرد



این واقعه از طرف هیچ مقام حکومتی و دولتی اعم از "اصلاح طلب" و غیره و مدعیان دروغین عدالتخواهی نه محکوم شد و نه کسی آنرا زیر سوال برد. مقدم بر همه این وظیفه قانونی وزارتخانه عریض و طویل وزارت کار و جناب وزیر "اصلاح طلب" آن بود که مسبب این عمل شنیع و غیر قانونی و آن عضو شورای شهر که ماموران سرکوب را فراخوانده بود، مورد پیگرد قانونی قرار دهد.

شلیک بسوی کارگرانی که گناهی به جز طلب دستمزد های ناچیز معوقه شان نداشتند و از گرانی و تورم به ستوه آمده‌اند، و سکوت مقامات حکومتی در شرایطی که در صدها واحد تولیدی و خدماتی ماه هاست که دستمزد و حقوق کارگران و کارکنان شان را برای فشار به آنها گروگان گرفته‌اند، در واقع نوعی تهدید توأم با عمل و برای برحذر داشتن سایر کارگران از تداوم و گسترش اعتراضات حق خواهانه در آستانه نوروز است. با این همه محال است با گلوله و تهدید و تحمیل گرسنگی و فقر بشود راه تداوم و گسترش اعتراضات معیشتی را سد کرد و مانع از رادیکال و سیاسی شدن اعتراضات شد. این واقعیتی است که تجربه سالهای اخیر باید آن را بر همگان روشن کرده باشد.

ملاحظات در باب امکان مطالبه‌گری، از مطالبه آموزش به زبان مادری تا حداقل دستمزد

جعفر_ابراهیمی - معلم



در جلسه علنی روز چهارشنبه ۸ اسفند ماه، طرح «تدریس ادبیات زبان‌های مادری» در مدارس کشور، که بر اساس اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطرح شده بود، در دستور کار مجلس قرار گرفت. اما در نهایت، نمایندگان مجلس با کلیات گزارش کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری درباره این طرح مخالفت کردند.

این مخالفت، تیر خلاصی بود به تمام کسانی که همواره مطالبه «آموزش زبان مادری» و نه «آموزش به زبان مادری» را در چارچوب قانون پیگیری می‌کردند. از زمان روی کار آمدن فاشیستی‌ترین نیروی سیاسی پس از انقلاب - یعنی نیروهای موسوم به خط امام که بعدها با نام اصلاح‌طلبان شناخته شدند - اصل ۱۵ قانون اساسی به ابزاری تبلیغاتی برای برخی جناح‌های حکومتی تبدیل شد. آنها با شعار «ایران برای تمام ایرانیان» تلاش کردند تصویری متفاوت از خود ارائه دهند، شعاری که در مجلس ششم و دولت خاتمی، بی‌محتوا و پوشالی بودن آن کاملاً آشکار شد.

با این حال، برخی فعالان هویت‌طلب همچنان امیدوارانه از این روزنه قانونی برای پیگیری مطالبات‌شان بهره می‌گرفتند. اما نقد اصلی به این رویکرد همان بود و هست که: حق آموزش به زبان مادری، یک حق طبیعی



و انسانی است و جزئی از حقوق بنیادین بشر است. که هیچ قانونی نمی‌تواند آن را محدود کند یا نادیده بگیرد. شاید در گذشته، نشان دادن نادرستی این مسیر چندان ساده نبود، اما امروز عملکرد همه دولت‌ها و مجالس، از اصلاح طلب تا اصول‌گرا، به وضوح نشان داده که قانون اساسی برای طبقه حاکم کاملاً بی‌معناست و برخی اصول فقط جنبه تبلیغاتی دارد.

آنچه امروز ضروری است افشای همین سیاست‌های فریبکارانه است. مطالبه حقوق آموزشی – از آموزش به زبان مادری گرفته تا آموزش رایگان و عادلانه – در چارچوب قوانین حاکم تاکنون موفق نبوده قوانینی که نه تنها اجرا نمی‌شوند، بلکه ابزار سرکوب و کنترل هستند.

این موضوع محدود به زبان مادری نیست. آموزش رایگان که در اصل ۳۰ قانون اساسی آمده، هرگز در سیاست‌های واقعی حاکمیت جایی نداشته است. چرا باید برای چنین حقی به قانونی استناد کرد که خود حاکمیت ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی آن را عملاً لغو کرده است؟

از سوی دیگر وقتی کارشناسان حکومتی اذعان می‌کنند که اصلی‌ترین بحران، بحران مشروعیت ناشی از فساد ساختاری و ناکارآمدی و استبداد است و عملاً مردم با عدم مشارکت در انتخابات سال‌های گذشته به آن مهر تایید زده‌اند. ارجاع به قانون چند مبنایی دارد؟

مطالبه حقوق کودکان و معلمان نباید به استناد اصول فراموش‌شده و بی‌اعتبار قانون اساسی محدود شود. بلکه باید این حقوق را به عنوان حقوق طبیعی و انسانی، و بر پایه اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک مطالبه کرد.

ماده ۲۰ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، تصریح می‌کند:

«در کشورهایی که گروه‌های بومی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، کودکان متعلق به این گروه‌ها نباید از حق «برخورداری از فرهنگ خود، دین خود و استفاده از زبان خود محروم شوند»

همچنین، ماده ۲۸ همین کنوانسیون بر حق آموزش رایگان تأکید می‌کند. همین منطق را می‌توان به تمام مطالبات صنفی و آموزشی تعمیم داد که توسط تشکل‌های صنفی معلمان و کارگران مطرح می‌شود.

متأسفانه سال‌هاست که تشکل‌های صنفی معلمان، مطالبات صنفی و آموزشی را در چارچوب آیین‌نامه‌ها و قوانین ناعادلانه دنبال کرده‌اند. از دولت روحانی تا رئیسی و حالا دولت پزشکیان، معلمان با وعده‌های پوچ



«رتبه‌بندی» و بازنشستگان با «همسان‌سازی» و «متناسب‌سازی» سرگرم شده‌اند. این سیاست‌های فریبکارانه، فقط برای مدیریت و کنترل اعتراضات بوده است.

وقتی خط فقر بیش از ۳۰ میلیون تومان است، چرا باید مطالبات به «رتبه‌بندی» و «همسان‌سازی» تقلیل داد؟ وقتی دولتی حاضر نیست حداقل دستمزد را عادلانه تعیین کند، چرا باید قواعد تحمیلی خودش را مبنا قرار دهیم؟

وقتی سطح مطالبات به این حد نازل می‌شود، طبیعی است که حاکمیت هم کوچک‌ترین قدمی برنمی‌دارد. این مسئله فقط مربوط به معلمان، به عنوان بخشی از طبقه کارگر، نیست؛ بلکه سرنوشت تمام کارگران، زحمت‌کشان و مزدبگیران را شامل می‌شود.

در روزهای آینده باز هم شاهد خواهیم بود که در روند تعیین حداقل دستمزد، دولت ژست «حامی کارگران» می‌گیرد و همزمان ناله‌های «نداریم و نمی‌توانیم» سر می‌دهد. در نهایت هم نمایندگان ضدکارگری، امضای خود را پای سندی می‌گذارند که در عمل هیچ نسبتی با حداقل‌های یک زندگی شرافتمندانه ندارد.

جنبش کارگری به طور عام و جنبش معلمان به طور خاص، اگر در همین چارچوب‌های محدود باقی بماند، هیچ افقی برای بهبود شرایط نخواهند داشت و روزه‌روز جنبش ضعیف‌تر و معلمان و کارگران فقیرتر خواهند شد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران



گچساران

تجمع اعتراضی کارکنان شرکتی ارکان ثالث مناطق نفت خیز جنوب امروز یکشنبه ۱۹ اسفند ماه

با پایان سال هیچیک از وعده‌های داده شده به این پرسنل محقق نشده است



اعتراض کارکنان میدان مک فارلند آمریکا علیه اخراج کارگران مهاجر

از ابتدای روی کار آمدن ترامپ، سیاست‌هایی علیه کارگران مهاجر اجرا شده که منجر به لغو اقامت یا اخراج برخی از آنان شده است.

آمریکا، روز شنبه تعدادی از کارگران مهاجر میدان بهره‌برداری ABC به گزارش خبرنگار ایلنا به نقل از شبکه انرژی مک‌فارلند به خیابان‌های ایالت تگزاس آمریکا آمدند و از دولت ترامپ درخواست کردند که طرح جرم‌انگاری مهاجران را دست کم برای کارگران لغو کند.

از ابتدای روی کار آمدن ترامپ، سیاست‌هایی علیه کارگران مهاجر اجرا شده که منجر به لغو اقامت یا اخراج برخی از آنان شده است. گفتنی است بیشتر این کارگران مهاجر مکزیکی تبار هستند.

می‌گوید: روی اغلب پلاکاردهای ABC استفانی واسکوئز" نماینده این کارگران در پاسخ به سوالات خبرنگار" ما در این تجمع مقابل فرمانداری درج شده که «کارگران مجرم نیستند!». چرا اصلا کار ما به جایی باید برسد که چنین نوشته‌ای را در دست بگیریم؟

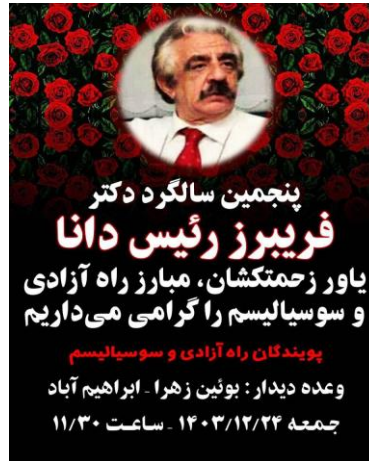


پرستاران یزد در اعتراض به شرایط سخت کار، تجمع کردند.

پرستاران یزد در تماس با خبرنگار ایلنا، از تجمع امروز (نوزدهم اسفند) مقابل دانشگاه علوم پزشکی خبر دادند.

این پرستاران خواستار تغییر مناسبات پرداختی در زیرمجموعه‌های درمان شدند و گفتند: اجرای فوق‌العاده خاص، اصلاح تعرفه‌گذاری و حذف اضافه‌کار اجباری، مهم‌ترین مطالبات ماست. امیدواریم خواسته‌های ما در وزارت بهداشت جدی گرفته شود.

پرستاران می‌گویند: از تبعیض حاکم در نظام بهداشت و درمان کشور خسته‌ایم. باید همه کادر درمان از جمله پرستاران از دستمزد عادلانه برخوردار باشند.



سازمان عفو بین‌الملل به مناسبت روز جهانی زن، طی بیانیه‌ای از جامعه جهانی خواست که برای لغو حکم اعدام و آزادی فوری وریشه مرادی، پخشان عزیزی و شریفه محمدی در ایران تلاش کنند. این سه زن کنشگر با خطر اعدام مواجه هستند.

چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می‌توانید در**

آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>